

بسم الله الرحمن الرحيم

www.koladp.ir

منتخب قابوسنامه

سرشناسه	:	عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر، قرن ۵ ق
عنوان قراردادی	:	[قابوس نامه، برگزیده]
عنوان و نام پدیدآور	:	منتخب قابوس نامه/ نویسنده عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر
مشخصات نشر	:	تهران: صهبای دانش ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	:	۱۹۸ ص
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۶۹۲-۴۴-۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا
عنوان دیگر	:	قابوس نامه، برگزیده
موضوع	:	نثر فارسی -- قرن ۵ ق
رده بندی کنگره	:	۱۲۹۰۲۰۱ ق/۴۶۶۷ PIR
رده بندی دیویی	:	A/۸۲۲۸۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۹-۲۲۶۵۴

نام کتاب: منتخب قابوس نامه

نویسنده: عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر

ناشر: صهبای دانش

تیراژ: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۹۲-۴۴-۰

تلفن: ۰۱۱۲۳۵۱۱۴۴۳-۶۶۴۰۶۴۷۷

- باب اول در شناختن ایزد تعالی و تقدس ۱۱
- باب دوم در آفرینش پیغمبران علیه السلام ۱۳
- باب سیوم اندر سپاس داشتن از خداوند نعمت ۱۵ باب ۱۹
- چهارم اندر فزونی طاعت از راه توانستن ۲۱
- باب پنجم اندر شناختن حق پدر و مادر ۲۳
- باب ششم اندر فروتنی و افزونی گهر و هنر ۲۷
- باب هفتم اندر پیشی جستن در سخن دانی و دانش ۳۷
- باب هشتم اندر یاد کردن پندهای انوشیروان عادل ۴۵
- باب نهم اندر تربیت پیری و جوانی ۴۹
- باب دهم اندر خویشتن داری و ترتیب خوردن ۵۵
- باب دوازدهم اندر مهمانی کردن و مهمان شدن ۵۹
- باب سیزدهم اندر مزاح و نرد و شطرنج و شرایط آن ۶۶
- باب چهاردهم اندر عشق ورزیدن و رسم آن ۶۹
- باب شانزدهم اندر آیین گرمابه رفتن و شرایط آن ۷۳
- باب هفدهم اندر خفتن و آسودن و رسم آن ۷۵
- باب هجدهم اندر نخجیر کردن و رسم آن ۷۹
- باب نوزدهم اندر چوگان زدن و شرایط آن ۸۱
- باب بیستم اندر آیین حرب و کارزار کردن ۸۳
- باب بیست و یکم اندر جمع کردن مال و خواسته ۸۷
- باب بیست و دوم اندر امانت نگاهداشتن ۹۱
- باب بیست و چهارم اندر خانه و عقار خریدن ۹۵
- باب بیست و ششم اندر زن خواستن و شرایط آن ۹۷
- باب بیست و هفتم اندر فرزند پروردن و آیین آن ۹۹
- باب بیست و هشتم اندر دوست گزیدن و رسم آن ۱۰۵
- باب بیست و نهم اندر اندیشه کردن از دشمن ۱۰۹

- باب سی ام اندر عقوبت کردن و عفو کردن ۱۱۵
- باب سی و یکم اندر طالب علمی و فقهی و مدرسی ۱۱۹
- باب سی و دوم اندر تجارت کردن و شرایط آن ۱۲۷
- باب سی و سیوم اندر ترتیب سیاق علم طلب ۱۳۳
- باب سی و چهارم اندر علم نجوم و هندسه ۱۴۱
- باب سی و پنجم اندر رسم شاعری و آیین آن ۱۴۵
- باب سی و ششم اندر آداب خنیاگری ۱۴۹
- باب سی و هفتم اندر آداب خدمت کردن پادشاهان ۱۵۳
- باب سی و هشتم اندر آداب ندیمی کردن ۱۵۷
- باب سی و نهم اندر آیین کاتب و شرایط کاتبی ۱۶۱
- باب چهلم اندر شرایط وزیری پادشاه ۱۶۷
- باب چهلم و یکم اندر رسم سپاهسالاری ۱۷۳
- باب چهلم و دوم اندر آیین و شرط پادشاهی ۱۷۷
- باب چهلم و سیوم اندر آیین و رسم دهقانی و هریشه گانی ۱۸۷
- باب چهلم و چهارم اندر آیین جوانمردی ۱۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

چنین گوید جمع کننده این کتاب پندها، الامیر غنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر مولی امیرالمؤمنین، با فرزند خویش گیلان شاه. بدان ای پسر که من پیر شدم و ضعیفی و بی نیرویی و بی توشی بر من چیره شد و منشور عزل زندگانی [را] از موی خویش بر روی خویش کتابتی همی بینم که این کتابت را دست چاره جویان بسترده نتواند. پس ای پسر چون من نام خویش را در دایره گذشتگان یافتم روی چنان دیدم که پیش از آنکه نامه عزل به من رسد نامه ای دیگر در نکوهش روزگار و سازش کار و بیش بهرگی جستن از نیک نامی یاد کنم و ترا از آن بهره کنم بر موجب مهر خویش، تا پیش از آنکه دست زمانه ترانم کند تو خود به چشم عقل در [سخن] من نگری، فزونی یابی و نیک نامی در دو جهان، و مبادا که دل تو از کار بستن باز ماند که آنکه از من شرط پدری آمده باشد؛ اگر تو از گفتار من بهره نیکی نه جویی، جویندگان دیگر باشند که بشنودن و کار بستن نیکی، غنیمت دارند و

اگر چه سرشتِ روزگار بر آن است که هیچ پسر پند پدر خویش را کار بند نباشد، چه، آتش در دلِ جوانان است، از روی غفلت پنداشتِ خویش، ایشان را بر آن نهد که دانش خویش برتر از دانش پیران ببینند، و اگر چه این سخن مرا معلوم بود مهرِ پدری و دل سوزگیِ پدران مرا نگذاشت که خاموش باشم؛ پس آنچه از موجبِ طبعِ خویش یافتم در هر بابی سخنی چند جمع کردم و آنچه بایسته‌تر بود و مختصرتر در این نامه نبستم. اگر از تو کار بستن خیزد خود پسندیده آمد والا من آنچه شرطِ پدری بود بجای آورده باشم که گفته‌اند که: «برگوینده جز گفتار نیست چون شنونده خریدار نیست جای آزار نیست.»

و بدان ای پسر که سرشتِ مردم چنان آمد که تکاپوی کند تا از آنچه دنیا نصیبِ [او] آمده باشد به گرامی تر کنی خویش بماند و نصیبِ من از دنیا این سخن گفتن آمد و گرامی تر کس بر من تویی. چون سزا رحیل کردم آنچه نصیبِ من بود پیش تو فرستادم تا خود کافه نباشی و پرهیز کنی از ناشایست و چنان زندگانی کنی که سزایِ تخمه پای تست که ترا ای پسر تخمه بزرگ و شریف است و از هر دو طرف کریم الطرفینی و پیوسته ملوکِ جهانی: جدّت ملک شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بود که نبیره آغش و هادان بود و آغش و هادان ملکِ گیلان بود به روزگار کیخسرو، و ابوالمؤید بلخی ذکر او در شاه نامه آورده است و ملکِ گیلان از ایشان به جدان تو یادگار بماند و جدّه تو، مادرم، دخترِ ملک‌زاده المرزبان بن رستم بن شروین بود که مصطفیٰ مرزبان نامه است سیزدهم پدرش کاوس بن قباد بود، برادر ملک انوشروانِ عادل، و مادر تو فرزندی ملکِ غازی محمود بن ناصرالدین بود و جدّه من فرزندی ملک پیروزان، ملک دیلمان بود. پس ای پسر هشیار باش و قدر و قیمتِ نژادِ خود بشناس و از کم بودگان مباش؛ هر چند من نشانِ خوبی و روزبهی اندر تو همی بینم و این گفتار بر شرطِ تکثر واجب دیدم.

آگاه باش ای پسر که روز رفتنِ من نزدیک است و آمدنِ تو بر اثرِ من زود باشد چه امروز در این سرایِ سپنجی باید که بر کاری باشی و زادی و پرورشی را که سرایِ جاودان را شاید برداری و سرایِ جاودانی برتر از سرایِ سپنجی است و زادِ او از این

سرای باید جُست که این جهان چون کشتزاری است که [در] او کاری واز او دِرَوی از بد و نیک؛ و کس دِروده خویش در کشتزار نخورد، در آبادانی خورد و آبادانی این سرای، سرایِ باقی است. و نیک مردان در این سرای، هَمّتِ شیران دارند و بد مردان، هَمّتِ سگان و سگ همانجا که نخجیر گیرد بخورد و شیر چون بگیرد بسجای دیگر خورد. و نخجیرگاه تو سرای سپنجی است و نخجیر تو دانش و نیکی است. پس نخجیر ایدر کن تا وقتِ خوردن به سرایِ باقی آسان توانی خوردن که طریقِ سزایِ ما بندگان، طاعتِ خدای است عَزَّوَجَلَّ. و مانند آن کس که راهِ خدای تعالی جوید و طاعتِ خدای تعالی جوید چون آتشی بُود که هر چند سرنگونش کنی برتری و فرونی جوید، و مانند آن کس که از راهِ خدای تعالی و طاعتِ او دور باشد چون آبی بُود که هر چند بالاش دهی فروتری و نگوئی جوید، پس بر خویشتن واجب دان شناختنِ راهِ ایزد تعالی. وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ. [واین کتاب را چهل و چهار باب نهاده آمد]:

- باب اول در شناختنِ ایزد تعالی و تقدس
- باب دوم در آفرینش پیغمبران علیه السلام
- باب سیوم اندر سپاس داشتن از خداوندِ نعمت
- باب چهارم اندر فرونی طاعت از راهِ توانستن
- باب پنجم اندر شناختنِ حقِ پدر و مادر
- باب ششم اندر فروتنی و افزونی گهر و هنر
- باب هفتم اندر پیشی جُستن در سخن دانی و دانش
- باب هشتم اندر یاد کردنِ پندهایِ انوشروانِ عادل
- باب نهم اندر تربیتِ پیری و جوانی
- باب دهم اندر خویشتن داری و ترتیب خوردن
- باب یازدهم اندر شراب خوردن و شرطِ آن
- باب دوازدهم اندر مهمانی کردن و مهمان شدن
- باب سیزدهم اندر مزاح و نرد و شطرنج و شرایطِ آن
- باب چهاردهم اندر عشق ورزیدن و رسمِ آن

- باب پانزدهم اندر تمتع کردن و ترتیب آن
 باب شانزدهم اندر آیین گرمابه رفتن و شرایط آن
 باب هفدهم اندر خفتن و آسودن و رسم آن
 باب هجدهم اندر نخجیر کردن و رسم آن
 باب نوزدهم اندر چوگان زدن و شرایط آن
 باب بیستم اندر آیین حرب و کارزار کردن
 باب بیست و یکم اندر جمع کردن مال و خواسته
 باب بیست و دوم اندر امانت نگاهداشتن
 باب بیست و سوم اندر برده خریدن و شرایط آن
 باب بیست و چهارم اندر خانه و عقار خریدن
 باب بیست و پنجم اندر اسب و چهار پای خریدن
 باب بیست و ششم اندر زن خواستن و شرایط آن
 باب بیست و هفتم اندر فرزند پروردن و آیین آن
 باب بیست و هشتم اندر دوست گزیدن و رسم آن
 باب بیست و نهم اندر اندیشه کردن از دشمن
 باب سی ام اندر عقوبت کردن و عفو کردن
 باب سی و یکم اندر طالب علمی و فقیهی و مدرسی
 باب سی و دوم اندر تجارت کردن و شرایط آن
 باب سی و سوم اندر ترتیب سیاحت علم طب
 باب سی و چهارم اندر علم نجوم و هندسه
 باب سی و پنجم اندر رسم شاعری و آیین آن
 باب سی و ششم اندر آداب خنیاگری
 باب سی و هفتم اندر آداب خدمت کردن پادشاهان
 باب سی و هشتم اندر آداب ندیمی کردن
 باب سی و نهم اندر آیین کاتب و شرایط کاتبی

باب چهلّم اندر شرایطِ وزیرِ پادشاه

باب چهل و یکم اندر رسمِ سپاهسالاری

باب چهل و دوم اندر آیین و شرطِ پادشاهی

باب چهل و سیوم اندر آیین و رسمِ دهقانی و هر پیشه‌ای که دانی

باب چهل و چهارم اندر آیینِ جوانمردی

www.ketab.ir